

يك قسمت از اخلاق اجتماعی همان حقوق موضوعه است که از طرف قوانین اجتماعی تأمین و تضمین میشود و قسمت دیگر آن عبارت است از پند و مواعظی که فاقد حتمیت اجرا میباشد و آنرا حقوق برهانی مینامند .

قوانین زمانهای گذشته تمیزی بین اخلاق و قوانین موضوعه قائل نشده بودند و از همین جهت وظایف زیادی برای قوه عمومی قائل شده اند بعد که انسان طی مراحل جدید تمدن را نمود قوانین اخلاقی از قوانین موضوعه تفکیک شد و امروز حقوق فقط از تنظیم و اداره روابط بین افراد بحث میکنند و میخواهد فعالیت انسان را قدری تضییق کند تا خلل بفعالیات سایرین وارد نیاید با تصریح منهیات و مجوزات و تعیین ضمانت اجرائی برای آنها حقوق موفق شده است نظم اجتماعی را برقرار سازد .

حال باید دید که قوه عمومی با تمسک بچه و سایلی فائل باجرااء حقوق موضوعه میشود سروکار اخلاق همیشه با وجدان است که باید باعمال آن رضایت قلبی بدهد در صورتیکه قوانین موضوعه از جهت استقرار امنیت عمومی تحمیل بر افراد میشود بنا بر این حق و قوه قاهره بایکدیگر ملازمه دارند .

قوه قهریه و جبریه

این قوه را قوه عمومی بدو شکل بکار میبرد در شکل اول گاهی قوه عمومی مقررات موضوعه را مستقیماً تحمیل میکند این طرز اجراء را اجسرای مستقیم قهری مینامند و گاهی عملیات و اقداماتی که بر خلاف مقررات موضوعه بوقوع رسیده ابطال یا کان لم یکن مینماید این طرز اجراء را اجسرای قهری غیر مستقیم مینامند در شکل دوم قوه عمومی متخلف از مقررات موضوعه را مجازات مینماید این مجازات ممکن است راجع بشخص شود یا اموال .

حال باید دید در چه موارد باید استعمال اجسرای قهری مستقیم و در چه مورد متوسل به مجازات شد بعبارت اخیری باید حقوق مدنی را از حقوق جزائی تفکیک نمود برای حل امر باید متوجه بود که توسل بقوه جبریه آخرین مرحله اقتدارات دولت را بارز میسازد و تا وقتی که خسارت وارده جنبه اجتماعی

فداشته باشد نباید متوسل به مجازات جزائی شد اگر خسارت محدود بشخص باشد و یا يك وسیله مستقیم قابل جبران باشد ولی دولت آنرا يك خطای جزائی تلقی کند از حدود خود تجاوز کرده است نسبت به مشروعیت شکل اول جای هیچگونه تردیدی نیست ولی باید دید که آیا استعمال طریق دوم یعنی اعمال مجازات نیز مشروع است شکل دوم که ممکن است شخص را از مقدس ترین حقوق بشریت محروم سازد زیاد مورد بحث واقع شده و برای واقف شدن به مشروعیت آن باید قبلاً از موضوع کلیه علوم جزائی بحث نمود.

موضوع و مقصد علوم جزائی :

موضوع علوم جزائی عبارت است از مطالعه و تدقیق در اطراف بزه و مجازات. مقصد آنها عبارت است از جستجوی وسایل برای مبارزه با ارتکاب بزه با اینکه موضوع و مقصود علوم جزائی مشترك است معذلك متد های مختلف دارند و همین اختلاف متد موجب میشود که شخصیت و استقلال خود را از دست ندهند از همین جهت جرم و مجازات از جهات مختلفه علمی و سیاسی و قضائی مورد بحث علوم جزائی واقع شده است علوم جزائی از نقطه نظر تعینی علمی .

علوم جزائی از نقطه نظر علمی :

متفکرین همواره سعی کرده اند علل جرم و مجازات را دریافته و به مطالعات خود يك جنبه علمی بدهند سابقاً علل جرم را بصفات رذیله از قبیل حسادت، حرص، تنبلی، حس انتقام مستند نموده اند امروز علمای جزائی و اجتماعی به تحقیقات علمی خود توسعه داده و با مطالعه وضع ساختمانی اشخاص و صفات اخلاقی و هوش، عادات و رسوم توجیه بزه و مجازات را نموده اند علم احصائیه هم کمک شایانی بزحمات آنان نموده و از اینراه توانسته اند تعداد بزهکاران و محل بزه و خصوصیات آن و سن و جنس و درجه اطلاعات و منشأ بزهکاران را معین نمایند این اطلاعات موجب خواهد شد که بعلم واقعی بزه یا عللی که آنرا تشدید می نمایند واقف شده و در مقام تخفیف و یا قلع آن برآیند .